

جواد مجابی

سر برخط عاشقی



## فهرست

### سر بر خط عاشقی

۱۱	آوارگی
۱۳	دعوی ما
۱۴	در اسارت «بوکو حرام»
۱۵	خاطره‌ای از «بوکو حرام»
۱۶	یک بیت از آن
۱۷	کوچه‌های عزیز به یاد آمده
۱۹	ایستگاه کاک فاسترز
۲۱	این هم شد دشمن؟
۲۲	ورقی یافته از قرن هشتم
۲۴	ورقی گم‌شده در قرن هفتم
۲۶	شاید مه‌ستی شاعر یا ماه دیگر
۲۷	بی تو هرگز!
۲۸	تکنوکراسی
۲۹	بی عنوان
۳۰	پیران، خاطره بازند
۳۱	عاشقانه یکم
۳۲	طبیعت بی جان
۳۴	گاهی می‌پرسم از خود
۳۶	به وقت اخبار
۳۸	بی‌هقی اگر که زنده شود
۴۰	سروته یک کرباس
۴۱	از پکن تا طرابلس
۴۴	شب ایستاد
۴۵	مهاجرت نامیسر
۴۶	تمثیل زنگ‌زده

۹۷	شهامت نگرستن در خویش
۹۹	پذیرای عدم
۱۰۰	مبادا!
۱۰۱	کاتب باد و آتش
۱۰۲	نصیبهٔ ازلی
۱۰۳	از ۱۳۱۸ به ۱۳۲۵
۱۰۴	مراد ما ز تماشا
۱۰۵	به تو می‌گویم
۱۰۷	بازیافته از عمر
۱۰۹	بنگر آن خط مرمط را!
۱۱۰	یک ورق از قرن مفقود
۱۱۱	به سازندگان فیلم
۱۱۱	«متولد ماه جولای»
۱۱۳	سفرنامهٔ خطی «جودقوی» ملاح
۱۱۵	زیبایه‌های بهداشتی
۱۱۷	امید می‌گیرید از نومیدی
۱۱۸	زروان و شاعران
۱۲۰	کریاس از سر تا ته
۱۲۱	آفتابی مثل هر روز دیگر
۱۲۲	وقتی غروب می‌شود
۱۲۳	سیارهٔ سایه‌ها
۱۲۴	جهان نهان کرده به زیر طلسم
۱۲۵	اوهام مدرج
۱۲۷	کلبی مسلک
۱۲۸	نخواستم قاضی شوم
۱۲۹	از زادن باید می‌ترسیدیم نه از مردن
۱۳۱	در کافه‌ای لب رود
۱۳۳	یادگاران
۱۳۵	دست بردیوارسایان

#### نیزهٔ مرد پارسی دور می‌رود

۱۴۰	روستاهای آبی کودکی
۱۴۳	پرنده در من می‌خواند
۱۴۵	خاندان پری‌زده
۱۴۷	روزنامهٔ محال‌اندیشان
۱۵۱	پیوندهای ناپیوسته

۴۷	این‌جا را عشق است!
۴۸	نسبتاً غیرعادی
۴۹	دیشب، ناگهان
۵۰	اسقاطی‌های خانه
۵۱	در همسایگی ما اتفاق افتاد
۵۳	نظافتچی
۵۴	به رودکی ببندیش!
۵۶	کی مرده بود، کی زنده؟
۵۸	اتاق لایزال
۶۰	آینه‌داری در محلهٔ شما
۶۲	آن جزیرهٔ نامیرا
۶۳	سر تا قدم خوش است
۶۴	فیلم تاریخی در تراس سینما دیانا
۶۶	پاک کن
۶۷	تا روز سوم
۶۸	بحریمایان
۶۹	مرجوعی
۷۰	تطاولی که تو کردی به دوستی
۷۲	در بوستان
۷۳	چیزی شبیه کاترینا
۷۴	تنها آخرین عکس
۷۵	غفلتا
۷۶	انگار در «وین» بود
۷۸	پیش‌بینی در وصیت‌نامه
۷۹	جایی شبیه جوانی
۸۱	«... تو نیز چون من باشی!»
۸۳	ضیافت دوستانه
۸۵	شبکلاه غیبی
۸۶	تن درست
۸۷	سرود گوشه‌نشینان
۸۹	جویی به پهنای قرن
۹۰	از پنجره که می‌نگرم در «سه»
۹۱	سربر خط عاشقی
۹۲	جان‌فروشی، نه زبان‌فروشی
۹۳	یک دو جامم دی سحرگه
۹۵	الحدار ای غافلان!

۱۵۲	کرکس‌ها به جنگ عقابان
۱۵۴	بیشه‌زار و ببر
۱۵۶	سرود بهاری
۱۵۷	حریق دنیا
۱۶۰	عقل در آینه اوهام
۱۶۱	زیستگاه ناممکن
۱۶۳	خبر نوری و محصص آمد
۱۶۵	بر رودبار می‌گذریم
۱۶۶	ایزدبانوی شادی
۱۶۹	آدم‌های مجازی فضای مجازی
۱۷۱	ادامه دارد زندگی
۱۷۳	سفرنامه
۱۸۰	ناگفتنی، نادیدنی
۱۸۳	با سرگذشت آینه‌وار
۱۸۵	معنای گم‌شده
۱۸۶	ناستنکا در شب سفید
۱۸۸	در آزار این بازار
۱۹۰	دوگونه رعیت زیستن
۱۹۲	حسب حالی بنویس!
۱۹۴	جمع‌بند زندگی فردی و اجتماعی
۱۹۴	هندسه کاریز و دهلیز
۱۹۵	بیا به کشتی ما
۱۹۸	خواب‌نامه
۲۰۰	کاشفان حیران غیب
۲۰۲	حیات اندرونی حیاط
۲۰۴	به کارگاه رنگ‌آمیزان
۲۰۶	دریا نوشته‌ها
۲۰۸	ناهار روی چمن

آوازی

دلم را به خاک وطن بپارید  
مگر که در آن هوا  
باز ایستد از بی‌قراری خون بالا  
در آسمان خردای است  
از نقشه‌ای که در دیستان می‌کشیدیم با عشق  
در این تپه بی‌آفتاب  
فریاد قلبم  
همصدا با دل‌هاتان  
سرزمین گم‌شده را احضار خواهد کرد  
آن‌گاه  
دلم را می‌تواند آرام  
به خاک وطن  
بپارید

سر بر خط عاشقی

## آوارگی

دلم را به خاک وطن بسپارید!  
مگر که در آن هوا  
باز ایستد از بی قراری خون پالا  
در آسمان حفره‌ای ست  
از نقشه‌ای که در دبستان می کشیدیم با عشق  
در این تهی بی آفتاب  
فریاد قلبم  
همصدا با دل‌هاتان  
سرزمین گم شده را احضار خواهد کرد  
آن‌گاه  
دلم را می‌توانید آرام  
به خاک وطن  
بسپارید